



١٥٤٧٦



دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت اخذ درجه ی کارشناسی ارشد در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

## بازتاب فرهنگ ایرانی در شاهنامه ی فردوسی

استاد راهنما:

دکتر مهدی شریفیان

استاد مشاور:

دکتر لیلا هاشمیان

پژوهشگر:

علی اصغر آذرپیرا

۱۳۸۶ / ۱۲ / ۱ - ۵

پائیز ۱۳۸۶

۱۰۴۷۶۰

کتابخانه مرکزی  
دانشگاه تهران



دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

با یاری خداوند بزرگ، جلسه ی دفاع از پایان نامه ی آقای: علی اصغر آذرپیرا، به شماره ی دانشجویی ۸۴۳۳۲۶۹۰۰۲ در رشته ی زبان و ادبیات فارسی، دوره ی کارشناسی ارشد، روز چهارشنبه ۱۳۸۶/۸/۹ ساعت ۱۴-۱۶ در سالن کنفرانس دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا همدان برگزار شد.

این پایان نامه با عنوان:

**بازتاب فرهنگ ایرانی در شاهنامه ی فردوسی**

مورد تأیید هیأت داوران قرار گرفت و با نمره ی ۱۹، و درجه ی عالی به تصویب رسید.

داوران:

دکتر مهدی شریفیان

دکتر لیلا هاشمیان

دکتر محمد طاهری

دکتر هادی خدیور

دکتر زهرا افضلی

امضاء

استاد راهنما

استاد مشاور

استاد داور داخلی

استاد داور خارجی

مسؤول تحصیلات تکمیلی دانشکده

۱۳۸۶ / ۱۲ / ۵

تقدیم به:

پدرم و مادرم

آنان که ناتوان شدند، تا من به توانایی برسم؛

موهایشان سپید شد، تا من در اجتماع روسپید شوم؛

و عاشقانه سوختند، تا روشنگر راهم باشند و گرما بخش وجودم؛

و کسانی که در راه زنده کردن فرهنگ فراموش گشته‌ی ایرانی تا پای جان نیز ایستادند.

داستان ها و یادگارهای کهن فرهنگ ما، هر چه هست، زاینده ی زندگی قوم ما و پرورده ی سرزمین ما و نمودار سرشت نیاکان ما و راست ترین گواه خوب و بد پدران ماست. اگر بد بودند یا خوب، اگر تنگ دل و تنگ دست بودند، یا رادمند و گشاده دست؛ اگر پهلوان و دلیر بودند، یا ترسو و بزدل؛ اگر بزرگ منش بودند و آزاده، یا گدامنش و درویش؛ همه ی این زشت ها و زیباها، از همین داستان ها هویداست و بهتر و روشن تر و بی طرف تر از، تاریخ واقعی ایران و مردم این کشور است.

استاد پور داوود

تقدیر و تشکر:

دانای دادار را باید از بن دندان سپاس گفت از اینکه به این بنده توانایی به دست گرفتن قلم و توفیق نگارش چنین پایان نامه ای را داد. از استادان گرانقدر که در طول تحصیلاتم از خوان دانش آنها همواره بهره بردم، بسیار سپاسگذاری می کنم.

از استاد راهنمای فرزانه ام؛ دکتر شریفیان بابت راهنمایی این پایان نامه، از خانم دکتر هاشمیان بابت مشاوره ی این پایان نامه، از جناب آقای دکتر طاهری، بابت زحمت داوری داخلی این پایان نامه، و نیز جناب آقای دکتر خدیور بابت زحمت داوری خارجی این پایان نامه، از دیگر استادان گروه زبان و ادبیات فارسی، جناب آقای دکتر محمدی و نیز دکتر شفق، از جناب آقای سجادی پور، ناظر محترم تحصیلات تکمیلی نیز که همیشه از این حقیر با رویی خوش پذیرایی می کردند، صمیمانه تشکر می کنم.

از استادان دوره ی لیسانس جناب آقای دکتر رحیمی، دکتر پرنیان، دکتر نورایی، دکتر کوشکی، دکتر هاجری، دکتر بیگزاده و دیگر استادان تشکر می کنم.

از دوستان عزیزم، آقایان روحانی، قدرتی، عضدی قاجار، موسوی، پرنا، احمدی، منصوری و دیگر دوستانی که ذهن بنده یارای به یاد آوردن آنها را ندارد، یک دنیا سپاسگذاری می کنم. چگونه می توانم از پدرم و مادرم که اسباب تحصیلات مرا فراهم آوردند، تشکر نکنم، در حالی که بیشتر زحمات به دوش آنها بوده و هست. در پایان از برادران و خواهرهایم نیز یک دنیا سپاسگذاری می کنم.

## چکیده:

بررسی فرهنگ یک سرزمین، در واقع پی بردن به طرز زندگی، آداب، معتقدات و ارزشهای آن سرزمین است. این امر در ایران گذشته را- به عنوان یک سرزمین صاحب فرهنگ و تمدن- می‌توان از خلال متون موثق ادبی مورد بررسی قرار داد. بدون شک، مهمترین مرجع در این باره، شاهنامه‌ی فردوسی است. در این پایان‌نامه، که مشتمل بر پنج فصل می‌باشد، با دیدی نو، به مسأله‌ی فرهنگ در شاهنامه پرداخته شده است. فصل اول شامل کلیات تحقیق است. در فصل دوم، به مسأله‌ی فرهنگ، مفهوم و قلمرو آن، و نیز در فصل سوم، به محیط و انگیزه‌های فردوسی از سرودن شاهنامه پرداخته شده است. فصل چهارم با عنوان بازتاب نمودهای فرهنگی در شاهنامه، که خود شامل هفت بخش می‌باشد: سنتها و آداب و رسوم، باورها (فولکلورها)، ارزشها، نهادها، مَثَلها، تشریفات و اسطوره‌ها. و فصل پنجم که بحث و نتیجه‌گیری این پایان‌نامه می‌باشد.

کلید واژه‌ها: « فرهنگ، اجزاء فرهنگ، شاهنامه‌ی فردوسی، سنت، باور، ارزش، نهاد، تشریفات، مثل و

اسطوره».

## فهرست مطالب

عنوان ..... صفحه

### فصل اول: کلیات

- ۱-۱- مقدمه..... ۲-۴
- ۱-۲- تعریف مسأله و بیان نکات اصلی..... ۴
- ۱-۳- سابقه و ضرورت انجام پژوهش..... ۵
- ۱-۴- فرضیات و هدفها..... ۵
- ۱-۵- مشخصات چند مرجع علمی مهم..... ۵

### فصل دوم: فرهنگ؛ مفهوم و قلمرو آن

- ۲-۱- مقدمه..... ۷
- ۲-۲- معنی واژه ی فرهنگ..... ۸-۱۱
- ۲-۳- ریشه یابی واژه ی فرهنگ..... ۱۱
- ۲-۴- معادل واژه ی فرهنگ در زبانهای لاتین و عربی..... ۱۲-۱۳
- ۲-۵- معانی واژه ی « فرهنگ » در شاهنامه..... ۱۳-۱۵
- ۲-۵-۱- معنی واژه ی « فرهنگیان » در شاهنامه..... ۱۵-۱۶
- ۲-۶- تعریف های فرهنگ..... ۱۷-۳۹
- ۲-۶-۱- تعریف های وصف گرایانه..... ۱۷-۲۴
- ۲-۶-۲- تعریف های هنجاری..... ۲۴-۲۶
- ۲-۶-۳- تعریف هایی که بر آرمان و ارزش تکیه دارند..... ۲۶
- ۲-۶-۴- تعریف های روانشناسیک..... ۲۶-۳۰



- ۳۰-۳۱.....تعریف های ساختاری.....۵-۶-۲
- ۳۱-۳۹.....تعریف های تکوینی و دیگر تعریف ها.....۶-۶-۲
- ۳۹-۴۲.....تقسیم بندی فرهنگ.....۷-۲
- ۴۲-۴۳.....تفکیک حوزه ی «فرهنگ» در این پایان نامه.....۸-۲
- ۴۳-۴۸.....تفاوت فرهنگ و تمدن.....۹-۲
- ۴۹-۵۲.....هویت ملی و رابطه ی آن با فرهنگ.....۱۰-۲

### فصل سوم: فردوسی؛ محیط و روزگار و انگیزه های او از سرودن شاهنامه

- ۵۴-۵۵.....ایران؛ سرزمین هزاره ها.....۱-۳
- ۵۴-۵۹.....فردوسی؛ احیاگر عجم.....۲-۳
- ۵۹-۶۱.....محیط فردوسی در هنگام سرودن شاهنامه.....۳-۳
- ۵۹-۶۰.....وضعیت سیاسی-اجتماعی.....۱-۳-۳
- ۶۰.....وضعیت علمی.....۲-۳-۳
- ۶۰-۶۱.....وضعیت ادبی.....۳-۳-۳
- ۶۱-۶۳.....جامعه شناسی هویت در روزگار فردوسی.....۴-۳
- ۶۳-۶۶.....انگیزه های فردوسی از سرودن شاهنامه.....۵-۳
- ۶۴-۶۶.....نژاد پرستی مفرط اعراب.....۱-۵-۳
- ۶۶.....عشق به زبان و فرهنگ فارسی.....۲-۵-۳
- ۶۶-۶۷.....ایران گرایی و قوم مداری.....۶-۳
- ۶۷.....فایده و زیان قوم مداری.....۱-۶-۳
- ۶۸-۷۰.....بازتاب قوم مداری فردوسی در شاهنامه.....۲-۶-۳

## فصل چهارم: بازتاب نمودهای فرهنگ ایرانی در شاهنامه

۱-۴- مقدمه..... ۷۲

## بازتاب سنتها و آداب و رسوم در شاهنامه

۲-۴- مفهوم سنتها و آداب و رسوم..... ۷۲-۷۵

۱-۲-۴- رابطه ی سنت و فرهنگ..... ۷۵

۲-۲-۴- بازتاب سنتها و آداب و رسوم در شاهنامه..... ۷۵-۹۸

۱-۲-۲-۴- آیین به دخمه سپردن مردگان و دفن کردن آنها..... ۷۶-۷۹

۲-۲-۲-۴- رسم و رسومهای مربوط به عزاداری..... ۷۹-۸۱

۳-۲-۲-۴- اجرای مراسم عقد و عروسی..... ۸۲-۸۴

۴-۲-۲-۴- در چگونگی انتخاب دختر..... ۸۴-۸۵

۵-۲-۲-۴- رسم و رسوم مربوط به باده نوشی..... ۸۵-۹۰

۶-۲-۲-۴- گوی و چوگان بازی..... ۹۰-۹۲

۷-۲-۲-۴- جشن ها و اعیاد..... ۹۲-۹۷

۱-۷-۲-۲-۴- عید نوروز..... ۹۲-۹۳

۲-۷-۲-۲-۴- جشن مهرگان..... ۹۴-۹۵

۳-۷-۲-۲-۴- جشن سده..... ۹۵-۹۶

۸-۲-۲-۴- غذا خوردن..... ۹۷-۹۸

## ۳-۴- بازتاب باورهای عامیانه در شاهنامه

۱-۳-۴- مقدمه..... ۹۸

۲-۳-۴- تعیین و تعریف حوزه ی باورها..... ۹۹-۱۰۲

- ۳-۳-۴- رابطه ی فرهنگ و باورهای عامیانه..... ۱۰۲-۱۰۳
- ۴-۳-۴- بازتاب باورهای عامیانه ی اجتماعی- مذهبی در شاهنامه..... ۱۰۳-۱۰۷
- ۵-۳-۴- باورهای طبی در شاهنامه..... ۱۰۷-۱۱۱
- ۴-۴- بازتاب ارزشهای ایرانی در شاهنامه
- ۱-۴-۴- مقدمه..... ۱۱۱
- ۲-۴-۴- تعریف و مفهوم ارزش..... ۱۱۲-۱۱۴
- ۳-۴-۴- رابطه ی فرهنگ و ارزش..... ۱۱۴
- ۴-۴-۴- بازتاب ارزشها در شاهنامه..... ۱۱۵-۱۲۳
- ۵-۴- بازتاب نهادها در شاهنامه
- ۱-۵-۴- تفکیک حوزه ی «نهاد»..... ۱۲۳-۱۲۷
- ۲-۵-۴- رابطه ی فرهنگ و نهادها..... ۱۲۷-۱۲۸
- ۳-۵-۴- نهاد ازدواج و بررسی ساختار آن در شاهنامه..... ۱۲۸-۱۳۷
- ۱-۳-۵-۴- مقدمه..... ۱۲۸
- ۲-۳-۵-۴- بررسی ساختار ازدواج در شاهنامه..... ۱۲۹
- ۱-۲-۳-۵-۴- برون همسری..... ۱۳۰-۱۳۲
- ۲-۲-۳-۵-۴- درون همسری..... ۱۳۲-۱۳۷
- ۱-۲-۲-۳-۵-۴- ازدواج با بیوه برادر..... ۱۳۲-۱۳۳
- ۲-۲-۲-۳-۵-۴- ازدواج با محارم..... ۱۳۳
- ۱-۲-۲-۲-۳-۵-۴- ازدواج پدر با دختر خود..... ۱۳۳
- ۲-۲-۲-۲-۳-۵-۴- ازدواج پدر با دختر برادر..... ۱۳۴

- ۱۳۴-۱۳۵.....ازرواج با خواهر.....۳-۲-۲-۲-۳-۵-۴
- ۱۳۶.....ازدواج با زن پدر (نامادری).....۴-۲-۲-۲-۳-۵-۴
- ۱۳۷.....ازدواج همزمان با چند خواهر.....۵-۲-۲-۲-۳-۵-۴
- ۱۳۸-۱۴۱.....نهاد تعلیم و تربیت در شاهنامه.....۴-۵-۴
- ۶-۴-امثال و بررسی ساختار آنها در شاهنامه
- ۱۴۲-۱۴۵.....تعریف و تعیین حوزه ی «مثل».....۱-۶-۴
- ۱۴۵-۱۴۶.....پیدایش مثلها.....۲-۶-۴
- ۱۴۶-۱۴۸.....زمینه ی فرهنگی «مثل».....۳-۶-۴
- ۱۴۸-۱۵۲.....بازتاب امثال در شاهنامه.....۴-۶-۴
- ۷-۴-تشریفات در شاهنامه
- ۱۵۳-۱۵۴.....مفهوم حوزه ی تشریفات و تقسیم بندی آن.....۱-۷-۴
- ۱۵۴-۱۵۵.....مفهوم «تشریفات درباری».....۲-۷-۴
- ۱۵۵-۱۶۵.....بازتاب تشریفات درباری در شاهنامه.....۱-۲-۷-۴
- ۱۶۶.....«تشریفات مذهبی» در شاهنامه.....۳-۷-۴
- ۱۶۶-۱۷۰.....دعا و نیایش ها.....۱-۳-۷-۴
- ۱۶۶-۱۶۸.....زمزم و باژ.....۱-۱-۳-۷-۴
- ۱۶۸-۱۶۹.....نیایش خداوند.....۲-۱-۳-۷-۴
- ۱۶۹-۱۷۰.....سوگند خوردن.....۳-۱-۳-۷-۴
- ۱۷۰-۱۷۵.....وسایل و اشیاء مقدس.....۲-۳-۷-۴
- ۱۷۰-۱۷۱.....زند و اوستا.....۱-۲-۳-۷-۴
- ۱۷۱-۱۷۴.....برسم.....۲-۲-۳-۷-۴

- ۱۷۴-۱۷۵..... کشتی و سدره. ۳-۲-۳-۷-۴
- ۱۷۶-۱۷۷..... مناسک مذهبی در شاهنامه. ۳-۳-۷-۴
- ۱-۳-۳-۷-۴- سر و تن شستن قبل از انجام نیایش و عبادت و همچنین سوگند خوردن
- ۱۷۶..... (تطهیر).....
- ۱۷۶..... جامه‌ی سپید پوشیدن هنگام پرستش یزدان. ۲-۳-۳-۷-۴
- ۱۷۷..... دینار بر زند و اوستا افشاندن در هنگام شادی. ۳-۳-۳-۷-۴
- ۱۷۷..... مشک بر آتش افشاندن. ۴-۳-۳-۷-۴
- ۱۷۷-۱۸۰..... مکان تشریفات و نیز جهت انجام مراسم. ۴-۳-۷-۴
- ۱۷۷-۱۷۹..... آتشکده. ۱-۴-۳-۷-۴
- ۱۷۸..... آذر فرنبغ. ۱-۱-۴-۳-۷-۴
- ۱۷۹..... آذرگشسب. ۲-۱-۴-۳-۷-۴
- ۱۷۹-۱۸۰..... آذر برزین. ۳-۱-۴-۳-۷-۴
- ۸-۴- بازتاب اسطوره‌ها در شاهنامه
- ۱۸۰..... دشواریهای تعریف اسطوره. ۱-۸-۴
- ۱۸۱-۱۸۴..... کوشش برای تعریف اسطوره. ۲-۸-۴
- ۱۸۴-۱۸۵..... زمینه‌های فرهنگی اسطوره. ۳-۸-۴
- ۱۸۵-۱۹۷..... بازتاب اسطوره‌ها در شاهنامه. ۴-۸-۴
- ۱۸۵-۱۸۹..... داستانهای اسطوره‌ای در شاهنامه. ۱-۴-۸-۴
- ۱۸۹-۱۹۷..... موجودات اسطوره‌ای در شاهنامه. ۲-۴-۸-۴
- ۱۹۸-۲۰۴..... فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری.....

منابع و مأخذ

# فصل اول: کلیات

## ۱-۱- مقدمه

بدون شک، انسان پیچیده ترین موجودات روی زمین است. امتیاز انسان بر دیگر حیوانات، گذشته از این عبارت منسوب به ارسطو که: «انسان حیوانی است ناطق»، این است که هم به پشت سر می نگرد و گذشته‌ی خویش را می بیند و بررسی می کند و هم به جلو نظر می افکند و درباره‌ی آینده‌ی خویش چاره می اندیشد. این عنایت به گذشته و توجه به آینده، ویژه‌ی انسان است. انسان به پشت سر خود می نگرد تا بداند، که بوده است؟ چگونه زیسته است؟ چه کرده است؟ مؤثر بوده یا متأثر؟ و... و به جلو می نگرد و پیش بینی می کند که: چه باید باشد؟ چگونه با محیط بسازد و زندگی کند؟ و... باید بپذیریم که تعریف انسان کمی پیچیده شده است و دیگر تعریف ارسطو نمی تواند چندان علمی و دقیق باشد. انسان را می توان از دیدگاه هر علمی، تعریف کرد. چرا که انسان ترکیبی از مجموعه کیفیتهای نفسانی و تجلی پدیده های ذهنی و تطابق و سازش آنها با عوامل مادی و محیطی اوست.

جهان انسانی، برخلاف جهان نباتی و حیوانی گوناگون است. همین گوناگونی درونی انسان، سبب شده است که جهان، او را همیشه دستخوش تغییر و دگرگونی کند. لانه‌ی پرستو و شیوه‌ی زندگی و زه و زاد گرگ و... از آغاز پیدایش تاکنون، تغییر آشکاری نکرده است. اگر تغییر کرده است، تغییر محیط بوده که بر آنها اثر گذاشته است. در حالیکه در نحوه‌ی زندگی بشر، یعنی در «جا»، «خورش»، «پوشش»، «آمیزش» و... دگرگونیهای شگرف و بی شماری روی داده است. شاید در همین آغاز، دشوار باشد، بپذیریم که «فرهنگ»، عبارت است از همین «تفننهای زندگی» یا به عبارتی روشن تر، فرهنگ: «تفنن در جا و خورش و پوشش و آمیزش است».

با توجه به این نکته، ملتی می تواند غالب باشد که دارای فرهنگ غالب تری باشد. اگر انسان یا ملتی از فرهنگی نیرومند برخوردار باشد، درگیر و دار زندگی مادی و پیدا کردن راه آن، فرهنگ، هم به نیازهای روحی و درونی او پاسخ می دهد و هم راه زندگی را به او می نمایاند. شاید به همین جهت است که توجه به فرهنگ و تمدن های کهن، در پیشرفته ترین کشورهای جهان مقام والایی یافته است و به

خلاف آنان که گمان می کنند، توجه به تاریخ و فرهنگ و سنت ها و رسوم گذشته، ویژه‌ی ملت‌های عقب افتاده و کم رشد است، در کشورهای پیشرفته و مترقی، هزینه‌ی بررسی‌های فرهنگی و تاریخی، رقم قابل ملاحظه‌ای را در برمی گیرد.

گذشته از اینها، بررسی تاریخ واقعی انسان نشان می دهد که، آدمی به همان اندازه که نگران آینده‌ی خویش است، به گذشته‌ی خود دلبستگی دارد. گویی گذشته‌ی او، پشتوانه‌ی زندگی حال و آینده‌ی اوست. توجه به آداب و رسوم و باورها و آیین ها و در کل «فرهنگ» گذشته، با همه‌ی تغییرها و تحریف ها جالب است. این کار را می توان با عنایت به متون ادبی و تاریخی گذشته، مورد بررسی قرار داد.

امروزه تاریخ نیز مانند بسیاری از رشته های دیگر، می تواند به شاخه های متعددی تقسیم شود. شاید تاریخ به اعتبار «شناخت فرهنگ و تمدن» با ارزش است و گرنه دانستن سرگذشت اشخاص و اقوام، تنها از لحاظ حکومتی و فردی چندان ارزشی ندارد. به قول اسپنسر<sup>۱</sup> تاریخ عبارت می شود از: «تحقیق حال جامعه‌ی فعال، نه جنگ پادشاهان. دیگر شرح حال اشخاص قوی، صفحات تاریخ را تشکیل نمی دهد، بلکه شرح اختراعات بزرگ و افکار نو و نیز شناخت پدیده های ذهنی یک اجتماع، اساس تاریخ می گردند»<sup>۲</sup>. اعتبار هر جامعه ای، به فرهنگ آن جامعه است. تفاوت جامعه ها، در تفاوت فرهنگها خلاصه می شود.

آنانکه به فرهنگ خود بی اعتنا هستند و از با ارزش بودن آن آگاهی ندارند، باید بدانند، که چون انسان بدون فرهنگ نمی تواند زندگی کند، از یک سو به فرهنگ یا تمدن بیگانه روی می آورد و از سوی دیگر در زمانی اندک، نمی تواند از فرهنگ بیگانه برخوردار شود، به ناچار مقهور آن می شود.

1- Spencer

۲- دوران، ویل، تاریخ فلسفه. ترجمه‌ی عباس زریاب خویی، چاپ سازمان کتب جیبی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۵۱۷.



قومی که در این راه بیفتد، بی فرهنگ و یا ناتوان فرهنگ، شناخته خواهد شد و از پدیده های انسانی، به آنچه زود یاب تر و سطحی تر و آسان تر است، روی می آورد.

لزوم توجه به فرهنگ کاری نیست، که فقط در حد مکتوب کردن آن باقی بماند، بلکه باید در عمق زندگی مردم نهادینه شود، و مردم را با سرمایه های کلان فرهنگی آشنا کرد و آرمان مشترک مردم، خرد پذیر، سازنده و استوار بر دانش باشد تا بتوانند آبرو و ارزش جهانی خود را پاس دارند.

### ۱-۲- تعریف مسأله و بیان نکات اصلی:

مسأله ی شناخت فرهنگها و مطالعه درباره ی آنها نیازی بود که از پیش احساس می شد، تا جایی که امسال برای اولین بار در ایران بعد از انقلاب، رشته ی فرهنگ شناسی پایه گذاری شد. شناخت یک فرهنگ در واقع، پی بردن به سطح تفکر، دانائی، دانش، خواسته ها، تجربیات و ملزومات زندگی یک جامعه است. ضرورت مطالعه ی آن، وقتی بیشتر حس می شود، که در بابیم فرهنگهای بیگانه، مدام، در پی فرصت جوئی و کمین گشائی هستند.

اساساً" ارکان هر جامعه ای، بر فرهنگ آن جامعه استوار است و از طرفی نیز مبانی فرهنگی هر جامعه، منبعث از نحوه ی تعلیم و تربیت، عقاید، سنت ها، باورها، رسوم ملی و مذهبی و ... می باشد. به عبارت دیگر، فرهنگ مجموعه ای از عملکردها و نحوه ی رفتار افراد در برابر گرایش های عقیدتی، سیاسی، اجتماعی، هنری و ... است. از این رو، شناخت فرهنگ یک جامعه، روشن کردن هویت یک جامعه است.

بدیهی است که برای پی بردن به هویت گذشتگان، مهمترین گزینه، رجوع به متون موثق ادبی و تاریخی و ... گذشته است. یکی از مهمترین این میراثها، شاهنامه ی فردوسی است. برخلاف تصور بعضی که فکر می کنند شاهنامه حکایت گزر و کمند و دوال و گوپال است، در این کتاب به شکلی حکیمانه، به مسأله فرهنگ پرداخته شده است.

در این پایان نامه، نخست به بیان مسأله‌ی فرهنگ و ویژگیهای آن و سپس به ذکر نموده‌های این فرهنگ در شاهنامه پرداخته می‌شود.

### ۳-۱- سابقه و ضرورت انجام پژوهش:

دکتر محمد علی اسلامی ندوشن، در سال ۱۳۵۴ با نوشتن کتاب «فرهنگ و شبه فرهنگ»، ضرورت مطالعه‌ی فرهنگ ایرانی را، گوشزد کرده‌اند. پس از ایشان، دکتر علی شریعتی در سال ۱۳۶۱، با نوشتن کتاب «بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی لزوم توجه دوباره به آن را یادآوری کرده‌اند. اما متأسفانه تاکنون هیچ‌گونه پژوهش، کتاب یا پایان نامه‌ای با این عنوان نگاشته نشده است.

### ۴-۱- فرضیات و هدفها:

(۱) آیا در شاهنامه فرهنگ ایرانی نمود دارد؟

(۲) ویژگیهای این نمود چیست؟

(۳) بازتاب فرهنگ ایرانی در شاهنامه.

### ۵-۱- مشخصات چند مرجع علمی مهم

- (۱) اسلامی ندوشن، محمد علی، فرهنگ و شبه فرهنگ، چاپ اول، انتشارات توس، بهمن ۱۳۵۴.
- (۲) روح الامینی، محمود، زمینه فرهنگ شناسی، چاپ دوم، انتشار عطار، بهمن ۱۳۷۶.
- (۳) آشوری، داریوش، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران، نشر آگاه، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- (۴) شریعتی، علی، بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی، چاپ اول، انتشارات الهام، ۱۳۶۱.
- (۵) فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش و زیر نظر سعید حمیدیان، چاپ ششم، نشر قطره،

فصل دوم:

فرهنگ مفهوم و نامرو آن

## ۲-۱- مقدمه

سخن گفتن درباره‌ی اصطلاح «فرهنگ» و کوشش برای تعریف آن، کار چندان ساده‌ای نیست. بیشتر فرهنگ پژوهان، در ابتدای گفتار خود بدین نکته اعتراف دارند. شاید دلیل دشواری تعریف آن، گسترش حوزه‌ی کارکردی آن است. بدین معنا که فرهنگ در کلیه‌ی قسمت‌های زندگی بشر، ریشه‌دوانده است.

این نکته را می‌توان با تحلیل مجموعه تعریف‌های فرهنگ که چیزی حدود سیصد تعریف گوناگون است، دریافت.

در زبان فارسی نیز کلمه‌ی فرهنگ مفهوم وسیع و گرانمایه‌ای داشته است. معانی‌ای که در کتابهای لغت و متن‌ها به آن داده شده، بسیار متنوع است.

از طرفی برخی نیز متنوع بودن تعریف‌های فرهنگ را، حاصل متنوع بودن خصوصیات انسان‌ها می‌دانند. چرا که انسان از دیدگاه‌های مختلف فلسفی، دینی، اجتماعی، روانشناسی و... تعریف شده است. تعریف‌هایی از جمله «انسان حیوانی است ناطق»، «انسان حیوانی است اجتماعی»، «انسان حیوانی است دین‌دار»، «انسان حیوانی است که می‌تواند بخندد». علم مردم‌شناسی نیز «انسان را حیوانی با فرهنگ» تعریف کرده است.

هدف از آوردن این گفته‌ها، نه آن است که نخواهیم فرهنگ را تعریف کنیم. بلکه بازگو کردن این نکته است که، دستیابی به تعریف فرهنگ کار چندان ساده‌ای نیست. تعریفی که فراخور حال و مورد قبول همه باشد.

در این فصل، ما ضمن آوردن تعریف‌هایی از فرهنگ، - چه از فرهنگ پژوهان خارجی و چه ایرانی - به شکافتن واژه فرهنگ می‌پردازیم و در آخر نیز تعریفی که در این پایان‌نامه کاربرد دارد، آورده می‌شود.